

دیباچه مترجم

با پیشرفت علم اعصاب‌شناختی، و ارتباطی که میان علم اعصاب و آموزش و پرورش در سالهای اخیر به وجود آمده است، دریچه‌های جدیدی در زمینه یادگیری و یاددهی به روی متخصصان آموزش و پرورش باز شده است. به برکت این ارتباط، امروزه متخصصان آموزش و پرورش شناختی، درک عمیق‌تری از فرایند یادگیری و یاددهی یافته‌اند و از نقش مغز در یادگیری، یادسپاری، بازیابی، تفکر، استدلال، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، داوری، خلاقیت، و دیگر کارکردهای مغزی آگاهی بیشتری دارند. این شناخت جدید هم در مورد افراد بهنجار و هم در مورد کسانی که مبتلا به نابهنجاریهای مختلف ذهنی و رفتاری‌اند صادق است، به طوری که یافته‌های علم اعصاب می‌تواند به استفاده بهینه از مغز و ذهن در افراد بهنجار و سالم، و همچنین به تشخیص علل و ریشه‌های کاستیهای ذهنی افراد نابهنجار، کمک کند.

کتاب حاضر، که نوشته دو تن از پژوهشگران برجسته دانشگاه لندن و حاصل تجربه‌های آنان و دیگر پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعه مبانی عصب‌شناختی آموزش و پرورش است، همچون پلی میان دو عرصه مهم آموزش و پرورش و علم اعصاب عمل می‌کند و راهنمای متخصصان آموزش و پرورش در فرایند یاددهی و یادگیری است. بی‌تردید، یافته‌های علوم شناختی می‌توانند مسیر جدیدی را در قلمرو آموزش و پرورش برای معلمان و مربیان مدارس باز کنند و فضای جدید و بسیار متفاوتی از گذشته را در مدارس پدید آورند.

خواندن این کتاب را به عنوان منبع پایه به همه متخصصان آموزش و پرورش، روان‌شناسان و مربیان توصیه می‌کنم، با این امید که موجب تحول و نوآوری در آموزش و پرورش کشور گردد.

سید کمال خرازی

تهران، ۱۳۸۸